

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دکتر امین حطیط Docteur Amin Hoteit

برگردان از: حمید محوی

۱۴ اگست ۲۰۱۲

سوریه :

نبرد حلب از دیدگان ستراتیژی از دمشق قابل تفکیک است،

ولی معنای یگانه ای دارد!





از این پس، کاملاً روشن است که با وجود تمام امکانات و نیروئی که بسیج کردند و با وجود تمام اهدافی که مدعی تسلط بر آن شدند، نبرد حلب به نفع «محور متجاوزان به سوریه» تمام نخواهد شد...

ولی پیش از آن که به دلایل اصلی و سنجه هائی پردازیم که ما را به چنین نتیجه ای هدایت کرده است، باید به ابعاد فوق العاده خشونت بار تهاجم به این کشور اشاره کنیم!

در زمینه امکانات، می دانیم که «مرکز فرماندهی مهاجمان» ۱۲۰۰۰ مبارز مسلح را از ملیت های مختلف بسیج کرده است: برخی از آنها نیز اهل سوریه هستند، ولی عربهای مسلمان از تمام کشورها شرکت دارند!

و نیز می دانیم که به «متخصصان ناتو» مأموریت داده شده است تا هوش و ذکاوت و مهارت خود را در دو زمینه کاملاً مشخص به کار ببندند: به عنوان مشاور و ناظر مستقیم بر عملیات تروریستی توسط شورشیان در داخل مرزهای سوریه، و متمرکز ساختن تمام طرح های تهاجمی در سطح یک «اتاق عملیاتی» که در فاصله نچندان دوری از مرز سوریه، در آدانا در ترکیه واقع شده است، و می بایستی جریان رویدادها را تحت نظارت داشته و در موعد مناسب، از آن برای توفیق عملیات یا دفع ناکامی ها استفاده کنند!

علاوه بر این، برای تقویت روحیه «نیروهای مهاجم»، آنها را به سلاح ها و مهمات و تجهیزات خیلی پیشرفته مجهز کرده اند، و به موازات آن تبلیغات روانی به هدف تضعیف روحیه مردم سوریه، ارتش و دولت این کشور به راه انداختند.

طرح حمله به حلب با دقت تمام توسط مبتکرانش در دو مرحله تدارک دیده شده بود، به طوری که توفیق آن را اجتناب ناپذیر می دانستند! در واقع، امیدوار بودند که طی پنج روز حداکثر، با حمله به قلب شهر، در مرحله بعدی می توانند نیروهایشان را در تمام محلات گسترش بدهند و سپس به اماکن رسمی و دولتی حمله کنند. برای چنین طرحی، روی چند عامل حساب کرده بودند:

۱. نزدیکی حلب به مرز ترکیه و به همین گونه حضور بسیار پر رنگ مبارزان که در نزدیکی اردوی حمله مستقر بودند، و لوژیستیک نبرد را برای تأمین نیازمندی هائی در سطح سلاح و تجهیزات و مبارزان تازه نفس به عهده داشتند... در این زمینه ها نیز هیچ محدودیتی نداشتند...

۲. آمادگی نداشتن ارتش سوریه که در جای دیگری سرگرم بود، به ویژه پیرامون نبرد دمشق، و پیرامون جراحاتی چند در حمص و درعا، و تصور کرده بودند که در وضعیتی نخواهد بود که بتواند ظرف ۵ روز نیروهای ضروری را برای ضد حمله در دفاع از حلب تدارک ببیند و با «ارتش آزاد تروریست ایالات متحده» رویارویی کند که چندین هزار سرباز مزدور گم گشته و تبهکار را بسیج کرده بود. این شرطی بود که «مرکز فرماندهی متهاجمان» با خودشان بسته بودند و مشاهده کردند که قطعات سوریه که به دفاع از سرزمین های سوریه در مقابل

تجاوز احتمالی اسرائیل اختصاص دارند، با وجود تمام فشار های واردآمده به دولت سوریه، مواضع خودشان را ترک نکردند، و در واقع از افتادن در چنین دامی اجتناب کردند.

۳. خواست انتقام و ترس از آینده شورشیان که آنها را به نبردی برای مرگ و زندگی تشویق می کرد، روحیه ای که خیلی زود تمام مبارزان، فرماندهان آنها و مقامات باز هم مافوق تر را در محل به هیجان واداشته بود! ولی بین نبرد دمشق و نبرد حلب تفاوت‌هایی وجود دارد، و توضیح می دهد که چرا متهاجمان توانستند در حلب از جنگ نیروهای دولتی بگریزند، خلاف نبرد دمشق. در واقع در دمشق :

۱. نیروهای نظامی در محل بودند و توانستند ظرف مدت کوتاهی مشکلات را برطرف سازند... اتخاذ تصمیم و پاسخ به حمله خیلی سریع انجام گرفت، به شکلی که مبارزان مسلح دچار شوک شدند و روحیه شان را از دست دادند.

۲. عملیات دفاعی در فضائی تحقق یافت که حاکی از نفی روانی و اخلاقی سوء قصدی بود که به بهای جان چهار نفر از رهبرانی تمام شد که در سلول مدیریت بحران سوریه خدمت می کردند.

۳. جغرافیای محلاتی که هدف قرار گرفته بودند به مبارزان اجازه نداد که از شگرد جنگ چریکی در منطقه شهری بهره ببرند، و به همین علت بود که ارتش بی هیچ خسارت قابل توجهی برای شهروندان از نیروهایش استفاده کرد. و همین موضوع توضیح می دهد که چرا باندهای مسلح در محلات قدیمی و پر جمعیت موضع گرفته اند. روشن است که آنها می خواهند از مردم به عنوان سپر بلا استفاده کنند... این کار بهترین ستراتیژی برای فلج ساختن دولت بود تا نتواند از امکاناتی که در دمشق به کار بسته بود در حلب نیز استفاده کند.

ولی با وجود بسیج قابل توجه متهاجمان، و با وجود تمام درسهایی که از نبرد دمشق آموخته بودند، نتایج به ما نشان می دهد که از این پس دولت سوریه در نبرد حلب نیز پیشی گرفته است. با این وجود باید دو موضوع مهم را در نظر داشته باشیم : زمان و هزینه. در مورد زمان، مطمئناً دولت سوریه در دام «آتش خانمانسوز» نخواهد افتاد و ستراتیژی سریع العمل را به کار نخواهد برد زیرا خسارات جانی و مالی سنگینی در بر خواهد داشت. ارتش سوریه به طریق اولی «ستراتیژی مسدود ساختن و پیشروی تدریجی» را در مورد سلول های تروریست به کار می برد، یعنی یکی پس از دیگری، و با احتیاط برای جان شهروندانی که به محاصره آتش تروریست ها درآمده اند.

در مورد هزینه نبرد نیز، نه شمار سربازان را باید ندیده بگیریم که ممکن است در چنین نبردی کشته شوند، و نه شمار شهروندانی که در چنین خطری قرار دارند، و نه خسارات مالی در چنین فضائی که مطمئناً چرخ اقتصادی را مختل خواهد ساخت.

با این وجود همانگونه که پیش از این گفتیم، نتایج نبرد حلب از این پس به نفع دولت سوریه تمام شده است. این داوری بر اساس مشاهدات صحنه و به عناصر خاصی تکیه دارد که مختصراً در زیر مورد بررسی قرار می دهیم :

۱. مؤثر واقع شدن نیروهایی که در حلب نخستین موج حمله را دریافت کردند و سپس، پیش از رسیدن قوای کمکی برای نبرد نهائی، متهاجمان را در مساحتی به وسعت پنج محله از ۲۹ محله محاصره کردند.

۲. توان مقامات سوری در بسیج نیرو و برای تقویت نیروهای مستقر در حلب توسط قطعات مناسب برای به کار بستن «ستراتیژی پیشرفت تدریجی» و به پشتیبانی قطعات دفاعی علیه رگبار های مهاجمان.

۳. شرکت شهروندان، به اشکال متنوع، در عملیات دفاع از شهر، موردی که کاملاً معروف حمله تجاوزکارانه ای بود که برای اشغال شهر آمده بودند... و اینجاست... واکنش مردم ستایش انگیز بود زیرا با وجود تمام تهدیدات و جذبه

های فریبنده، تروریست‌ها را از محیط مهمان نوازی که انتظارش را داشتند محروم ساخت. البته، ناگفته نگذاریم که گروه‌هایی با به اصطلاح شورشیان مسلح همکاری کردند ولی تعدادشان محدود و در عمل نیز نامؤثر بودند.

۴. نبود تعادل بین نیروهای تروریست مهاجم و نیروهای نظامی برای دفاع از شهر، موردی که موجب ترس رهبران محور تهاجم شد و «قتل عام» نیروهایشان را پیشبینی کردند که در نبرد نا برابر علیه نیروهای نظامی قرار گرفته‌اند، زیرا نیروهای دولتی تصمیم قاطعانه گرفته‌اند که مهاجمان را از شهر بیرون برانند.

این است مواردی که تعیین کننده نبرد حلب و نتایج آن است. به همین نسبت فرماندهان تروریست و خود تروریست‌ها کاملاً پی برده‌اند که قادر به اشغال حلب نیستند و نمی‌توانند آنجا را به پایگاه خودشان تبدیل کنند.

به همین علت رویکرد جدیدی را به کار بسته‌اند تا از فروپاشی خیلی سریع صفوفشان جلوگیری کنند (مترجم: یعنی گروگان‌گیری مردم به عنوان سپر بلا). در حالی که روشن است که دولت سوریه به اندازه کافی قادر است و قاطعانه بر آن است که شهر را از تروریست‌ها تصفیه کند...مسأله تنها بستگی به زمان دارد...به کار بستن ستراتیژی متفاوت در حلب نشان از خبرگی حرفه‌ای ارتش سوریه است، و احتیاط به کار بسته شده توسط مقامات سوری به شکلی است که در اجرای کار سرعت به معنای دست‌پاچگی، و بردباری به معنای سهل‌انگاری نیست.

مرکز مطالعات جهانی سازی ۳ اگست ۲۰۱۲

(دکتر امین حطیط لبنانی، تحلیل گر سیاسی، متخصص ستراتیژی نظامی و جنرال بریگاد است که هم اکنون در بازنشستگی به سر می‌برد)

گاهنامه هنر و مبارزه

۱۳ اگست ۲۰۱۲

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com/post/263>

Syrie : La Bataille d'Alep stratégiquement différente de celle de Damas,
mais significativement identique !

par Docteur Amin Hoteit

<http://www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=32190>

[Mondialisation.ca](http://www.mondialisation.ca), Le 3 aout 2012

مقاله اصلی : البناء

معركة حلب: الدولة ضمنت النتائج لكن لماذا اختلفت عن دمشق؟

http://www.albinaa.com/index.php?option=com_content&view=article&id=66317:2012-08-02-22-05-31&catid=76:2012-02-28-11-15-22&Itemid=121